

جریان‌های سیاسی در ایران معاصر؛ بسترها و زمینه‌ها

دکتر علی دارابی

عضو هیات علمی دانشکده صدا و سیمای ج.ا. ایران و استاد مدعو دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکز

چکیده

در جامعه‌شناسی سیاسی جریانات سیاسی، باید به بررسی سه حوزه به هم پیوسته توجه نمود: (۱) شناخت پیچیدگی‌ها، شکاف‌ها و تعارضات جامعه به‌عنوان نقطه عزیمت؛ (۲) شناخت جریانات، گروه‌ها و نیروهای تکوین یافته بر اساس خطوط منشعب از شکاف‌ها و نیز زمینه‌های سیاسی - اجتماعی، تاریخی و مذهبی و (۳) شیوه و نحوه تاثیرگذاری جریانات و نیروهای سیاسی بر جامعه و زندگی سیاسی شهروندان. با این حال بررسی تاثیر جریان‌های سیاسی - اجتماعی در ایران معاصر بر روی زندگی سیاسی در درجه اول، نیازمند شناخت بسترها و مبانی تکوین و زمینه ساز آن‌ها است. به عبارت دیگر جریانات سیاسی به صورت تصادفی و اتفاقی پیدا نمی‌شوند بلکه مبتنی بر علایق گوناگونی در درون ساخت جامعه هستند که در نوشتار حاضر تلاش شده به‌صورت مبسوط بدان پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: جریان سیاسی، شکاف اجتماعی، نیروهای سیاسی، نوسازی، استقلال، وابستگی، حق و باطل، ایمان.

مقدمه

جریان‌های سیاسی پدیده‌ای بسیار مهم و نقش‌آفرین در تاریخ سیاسی و تحولات جامعه به‌شمار می‌آیند. مقصود از جریان سیاسی، یک حرکت سیاسی پویا و زنده است که با برخورداری از ایدئولوژی مشخص و گرایش‌های فکری درونی به مدد رهبران خود بر نظام سیاسی و نیز اقشار مختلف جامعه تاثیر می‌گذارد و جبهه، جناح، حزب، سازمان یا نهاد و گروه ویژه خود را بنیان می‌نهد (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۷). هدف نهایی جریان‌های سیاسی، کسب قدرت و استقرار نظام

سیاسی مورد نظر است که آن را از طریق راهبردها و راهکارهای مختلف پی می‌گیرند. کارکردهای یک جریان فکری - سیاسی به اختصار شامل شناسایی و معرفی رهبر یا رهبران، کادرسازی، بسیج مردم، تشکیل حکومت، مشروعیت‌بخشی به دولت، کارگردانی قدرت در جامعه، حمایت و پشتیبانی از دولت، جهت‌دهی به افکار عمومی و فرهنگ‌سازی، حمایت و پشتیبانی از احزاب، نهادها و تشکل‌های وابسته به خود، ائتلاف با برخی از جریان‌های رقیب، از مشروعیت‌اندازی جریان رقیب و براندازی آن، دفاع از دولت، احزاب، نهادها و تشکل‌های وابسته به خود هنگام بحران‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی می‌گردد (مظفری، ۱۳۸۵: ۱۰-۸). کارکردهای مذکور نشانگر آن است که جریان‌ها سیاسی تا چه اندازه‌ای در سرنوشت یک نظام سیاسی و ملت نقش‌آفرین‌اند و سلامت و انحراف آنان در عاقبت کار افراد و جامعه چقدر تعیین‌کننده است. حیات سیاسی یک کشور، سنت و گذشته سیاسی مردم، وضعیت حال و آینده آنان متأثر از کارگردانی این جریان‌هاست.

بدین روی، شناخت صحیح مسائل سیاسی جامعه، وام‌دار شناخت این جریان‌ها است. با این حال و قبل از این که به ماهیت فکری و نقاط قوت و ضعف هر جریانی پرداخته شود، شناخت بنیان‌ها، بسترها و زمینه‌های تکوین جریانات سیاسی - اجتماعی، به‌ویژه برای نسلی که از تاریخ رویش، پوییش و خیزش جریان‌ها اطلاع کافی ندارد، بسیار ضروری است و این مهمترین هدفی است که در این نوشتار دنبال می‌شود.

بنیان‌ها، بسترها و زمینه‌های تکوین جریان‌های سیاسی - اجتماعی ایران معاصر

به لحاظ نظری گونه‌های مختلفی از جریان‌های سیاسی بر اساس معیارهای چون شکاف‌های اجتماعی، رابطه دین و سیاست، رابطه روحانیت و حکومت، قلمرو دین (حداقلی یا حداکثری)، قرائت‌پذیری یا عدم قرائت‌پذیری دین، اصول‌گرایی یا تساهل در اجرای دین، تحجر یا روشنفکری، استقلال یا وابستگی، فردگرایی یا جمع‌گرایی، حرکت انقلابی یا مسالمت‌آمیز، ایمان یا بی‌ایمانی و خلوص اعتقادی یا ناخالصی آن و حق و باطل می‌توانند شکل گیرد اما در ذیل به چهار معیار از آن‌ها که به‌طور خاص بستر و زمینه‌های شکل‌دهنده جریان‌های سیاسی در ایران معاصر به‌شمار می‌آیند، اشاره می‌شود:

۱- شکاف‌های اجتماعی

نیروها، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی به‌صورت تصادفی پیدا نمی‌شوند بلکه مبتنی بر علایق گوناگونی در درون ساخت جامعه هستند. به‌عبارتی آنچه که نیروهای سیاسی - اجتماعی بر محور آن شکل می‌گیرد، شکاف اجتماعی نامیده می‌شود. عده‌ای شکاف اجتماعی را همان تضاد و تعارض اجتماعی می‌دانند (بشیریه، ۱۳۸۵: ۹۸).

شکاف اجتماعی عملاً موجب تقسیم و تجزیه جمعیت و تکوین گروه بندی‌ها و جریان‌های سیاسی می‌گردد و این گروه بندی‌ها و جریان‌های سیاسی ممکن است در قالب تشکل‌ها و سازمان‌های سیاسی نمود پیدا کنند. البته تعارضات و تضادهای اجتماعی مفهومی گسترده‌تر و انتزاعی‌تر از مفهوم شکاف‌های اجتماعی دارند.

یکی از قواعد کلی در نزد جامعه‌شناسان سیاسی این است که زندگی در هر کشوری را به شیوه‌های گوناگون تحت تاثیر شکاف‌های اجتماعی خاص آن کشور و نحوه صورت بندی آن شکاف‌ها مطالعه کنند.

جامعه‌شناسان سیاسی چون استین روکان نروژی^۱ و حسین بشیریه در ایران تلاش نموده‌اند با استفاده از این معیار به تبیین جریان‌های سیاسی در دوره‌های مختلف زمانی اهتمام ورزند. فرضیه اصلی آن‌ها این است که شکاف‌های اجتماعی تعیین کننده نوع خواسته‌های نیروها و گروه‌های مختلف و جریان‌های سیاسی است. به بیانی دقیق‌تر احزاب و نیز جریان‌های سیاسی ترجمان شکاف‌های اساسی موجود در هر جامعه‌ای به‌شمار می‌روند، شکاف‌هایی که خود ناشی از رویدادهای مهم تاریخی آن جامعه‌اند (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۹).

برای شکاف‌های اجتماعی تقسیم بندی‌ها و طبقه‌بندی‌های وجود دارد که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف) شکاف فعال و شکاف غیر فعال

از نظر تاثیرگذاری بر زندگی سیاسی شکاف‌های اجتماعی را باید به شکاف‌های «فعال» و «غیر فعال» بخش کرد. مثلاً شکاف طبقاتی در یک کشور ممکن است از نظر سیاسی خفته و غیرفعال باشد، یعنی این که آگاهی سیاسی و سازماندهی و عمل سیاسی بر پایه آن صورت نگرفته باشد. شکاف اجتماعی وقتی فعال می‌شود که بر پایه آن جریان‌ها، گروه بندی‌ها و عمل و آگاهی سیاسی تکوین یابد. به‌عنوان مثال شکاف سنت و مدرنیسم در ایران معاصر زمینه‌ساز تکوین جریان‌های هم‌چون جریان تجددگرا، جریان غریزدگی و جریان‌های سنت‌گرا شده است. به عبارتی دیگر شکاف فعال^۲ به شکافی گفته می‌شود که در وضعیت موجود تقسیم بندی جریان‌ها، گروه‌ها و نیروها بر اساس آن صورت می‌گیرد، اما شکاف غیر فعال ممکن است در حال حاضر در جامعه حساسیت نداشته باشد و تقسیم جریان‌ها، گروه‌ها و نیروها بر اساس آن صورت نگیرد اما هر لحظه احتمال فوران و فعال شدن آن وجود دارد.

ب) شکاف اولیه و ثانویه

شکاف‌های اولیه شکاف‌هایی هستند که به مقتضای برخی ویژگی‌های دگرگونی‌ناپذیر و

پایدار در جامعه انسانی پدید آمده‌اند و همواره وجود دارند. مثلاً تداوم تقسیم کار اجتماعی همواره نوعی از شکاف‌های طبقاتی را ایجاد می‌کند. یا تقسیم سنی و جنسی جمعیت میان مرد و زن و پیر و جوان همواره متضمن نوعی شکاف اجتماعی در جوامع بوده است.

شکاف‌های ثانویه به شکاف‌هایی گفته می‌شود که ناشی از تحولات سیاسی - اجتماعی در درون یک جامعه است. شکاف ثانویه ممکن است ناشی از تحولات و تصادفات تاریخی در یک کشور باشد. از جمله شکاف‌های تاریخی می‌توان به شکاف‌های مذهبی و فرقه‌ای، شکاف میان دین و دولت، شکاف‌های قومی، زبانی و غیره اشاره نمود. مثلاً در تاریخ اروپا، جنبش اصلاح دین موجب تجزیه مسیحیت و پیدایش فرقه پروتستان در مقابل کلیسای کاتولیک گردید و در نتیجه تعلقات مذهبی و فرقه‌ای^۱ به صورت عامل مهمی در موضع‌گیری‌های سیاسی درآمد (بشیریه، ۱۳۸۵ : ۱۰۱). در مورد اسلام مذهب شیعه زمینه‌های فرهنگی مساعدی در ایران پیدا کرد و در مقایسه با کشورهای اسلامی دیگر گسترش بیشتری یافت. مذهب به صورت دیگری نیز زمینه تکوین شکاف سیاسی - اجتماعی را فراهم کرده است و آن شکاف دین و دولت بوده است. تجربیات تاریخی نظیر نهضت تنباکو، جنبش مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که میان علایق دنیوی و سیاسی با علایق دینی همواره تعارضاتی وجود دارد و در نتیجه در همه ادیان میان روحانیون یا پاسداران دین و صاحبان قدرت سیاسی کشمکش‌هایی پدید آمده است. نزاع کلیسا و شه‌ریاران در اروپا و کشمکش خلفا و امرا در اسلام و نیز روحانیت و نظام پهلوی در ایران معاصر در زمان خود مهمترین شکاف سیاسی به شمار می‌رفت.

از دیگر شکاف‌های ثانویه می‌توان به شکاف اقتصاد دوگانه، دوگانگی فرهنگی و شکاف سنت و تجدد در جوامع توسعه نیافته و شکاف میان سرمایه تجاری و سرمایه صنعتی، سرمایه کمپرادور و سرمایه ملی، سرمایه بزرگ و کوچک، سرمایه‌ی انحصاری و غیرانحصاری صنعتی و انحصارات بانکی در جوامع پیشرفته اشاره نمود.

ج) شکاف‌های متراکم و شکاف‌های متقاطع

شکاف‌های متراکم به شکاف‌هایی گفته می‌شود که دو شکاف اجتماعی روی هم قرار گرفته و همدیگر را تقویت می‌کنند. مثلاً همه افرادی که دارای مذهب خاص هستند دارای زبان خاصی هم باشند یا همه افرادی که دارای مذهب و یا زبان خاصی هستند دارای قومیت خاصی هم باشند. به عنوان مثال ایران در برخی نواحی مرز نشین غرب و جنوب شرقی کشور با این نوع شکاف دسته و پنجه نرم می‌کند چرا که در این مناطق شکاف مذهبی (شیعه - سنی)، شکاف قومی را تقویت می‌کند. برخلاف کارکرد شکاف متراکم، شکاف متقاطع^۲ شکاف‌های سیاسی -

اجتماعی‌اند که یکدیگر را تضعیف می‌کنند. وقتی شکاف‌های اجتماعی متراکم باشند اغلب جامعه دوقطبی می‌شود و پتانسیل کشمکش سیاسی افزایش می‌یابد. برعکس وقتی شکاف‌های اجتماعی یکدیگر را قطع کنند با توجه به افزایش نقاط مشترک گروه‌بندی‌های اجتماعی زمینه منازعه اجتماعی کاهش می‌یابد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۳).

این تقسیم‌بندی‌هایی که بیان شد از لحاظ فعال بودن و یا غیرفعال بودن، اولیه و ثانویه یا متقاطع و متراکم به جوامع صورت‌های متفاوت می‌بخشند.

از نظر محقق نیروزی استین روکان شکاف‌های اجتماعی پس از ایجاد هرگز از بین نمی‌روند بلکه تنها ممکن است در مقاطع یا دوران‌هایی غیرفعال گردیده و با مهیا شدن شرایط این شکاف‌ها سر باز نمایند. از نظر روکان شکاف عبارت است از تقابلی که گذرا نیست و برخاسته از متن جامعه می‌باشد. چنین شکاف‌هایی تمایل به انجماد دارند و برای سالیان متمادی در یک جامعه رحل اقامت خواهند افکند. منشا اصلی شکاف‌ها غالباً حوادث مهم و تاریخی یک جامعه هستند (Rokkan, 1977: 13). در اثر حوادث بزرگی چون انقلاب یا نوسازی و امثال آن است که تضادهای عمیقی در یک جامعه ایجاد شود و به صورت شکاف به معنایی که گذشت ظاهر می‌گردند. روکان ریشه شکاف‌های موجود در اروپای غربی را در حوادث تاریخی و مهمی می‌داند که اروپای غربی در پنج قرن اخیر به خود دیده است. از دیدگاه وی، دو حادثه تاریخی و مهم در غرب را باید خاستگاه شکاف‌های این جامعه دانست؛ نخستین حادثه عبارت است از انقلاب ملی در دوران رفرم در قرون پانزدهم و شانزدهم و حادثه دوم، عبارت است از انقلاب صنعتی که در قرن هجدهم از انگلستان آغاز شده است. این دو واقعه هر یک دو شکاف اساسی در غرب ایجاد کردند (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۶-۱۵).

دو شکاف حاصل از انقلاب ملی یعنی شکاف بین مرکز و حاشیه (شکاف‌های قومی و نژادی) و شکاف بین دولت و کلیسا، شکاف‌های فرهنگی و به تعبیر بهتر هویتی محسوب می‌شوند در صورتی که دو شکاف حاصل از انقلاب صنعتی، یعنی شکاف‌دارندگان و کارگران و شکاف میان شهر و روستا، شکاف‌هایی اساساً دارای ماهیت اقتصادی و اجتماعی هستند. با انقلاب صنعتی دو شکاف پیشین در این جوامع کم‌رنگ‌تر شده‌اند و جای خود را به شکاف‌هایی داده‌اند که بیشتر جنبه اقتصادی دارند. دقیقاً در گیرودار این گذر است که نوع خواسته‌ها و جریانات سیاسی و اجتماعی نیز دگرگون می‌شوند و آن‌ها را به تقابل و یا تعامل سیاسی و اجتماعی وامی‌دارد (همان، ۲۶-۱۵).

به مانند استین روکان نیروزی، از نظر حسین بشیریه در ایران نیز شکاف‌های اجتماعی تعیین‌کننده نوع خواسته‌های نیروها، گروه‌ها و جریانات سیاسی مختلف و موجود اعم از حاکم و غیر حاکم است.

بشیریه معتقد است در تکوین جریان‌های سیاسی - اجتماعی عوامل مختلفی مانند میزان گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن، میزان نوسازی و توسعه اقتصادی و میزان دموکراتیزه شدن جامعه یعنی پیدایش سازمان‌ها و تشکل‌های طبقات پایین مؤثر هستند. از نظر او در مورد جامعه ایران باید گفت که مجموعه‌ای از شکاف‌های تاریخی و ساختاری موجب شکل‌گیری ساختار نسبتاً پیچیده‌ای از نیروهای و جریان‌های اجتماعی - سیاسی شده است (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۲).

به اعتقاد بشیریه برخی از این شکاف‌ها در هر دوره‌ای بر حسب صورت‌بندی زندگی سیاسی فعال‌تر می‌شوند و برخی دیگر فعالیت خود را کم و بیش از دست می‌دهند. با ورود ایران به صورت‌بندی سرمایه‌داری به واسطه نوسازی در عصر دولت مطلقه پهلوی شکاف‌های اجتماعی و طبقاتی تازه‌ای شکل گرفت. تشویق سرمایه‌داری و تجارت و صنعت، تمایزاتی در درون ساختار سرمایه به‌طور کلی ایجاد کرد و به تدریج سرمایه‌داری، مالی، تجاری و ارضی از هم متمایز شد. مقابله دولت پهلوی با نیروهای اجتماعی سنتی از جمله بازار سنتی، روحانیت و عشایر از یک سو و از سوی دیگر حمایت از فرآیندهایی که به پیدایش نیروهای اجتماعی مدرن انجامید، جامعه ایران را دو پاره کرد و طبقات و نیروهای سنتی و مدرن را در مقابل هم قرار داد (اشرف و بنو عزیز، ۱۳۷۲: ۱۲۶-۱۰۲). سرعت نوسازی و تحولات سیاسی اجتماعی همچنین در هر دوران خاصی شکافی میان نسل‌های جوان‌تر و پیرتر از حیث محافظه‌کاری یا هواداری از تغییرات ایجاد کرده است. به‌علاوه جامعه ایران دستخوش شکاف‌های تاریخی مختلفی نیز بوده است. شکاف میان دین و دولت، شکاف‌های مذهبی و فرقه‌ای و شکاف‌های قومی و نژادی و زبانی سرنوشت تاریخی ایران را در طی قرون و اعصار رقم زده‌اند. نفس گسترش اسلام در ایران شکاف تاریخی پایداری میان فرهنگ و تمدن ایرانی و عربی (یا اسلامی) به‌وجود آورد. همچنین گسترش تشیع در ایران آن شکاف را از هر حیث تشدید کرد. مذهب تشیع زمینه‌های فرهنگی مساعدی در ایران پیدا کرد و آمیزه پیچیده‌ای از برخی از عناصر فرهنگ ایران و اسلام صورت پذیرفت. لذا از همان آغاز گسترش اسلام به ایران شکاف دین و دولت نیز تکوین یافت. با توجه به داعیه سیاسی اسلام و به‌ویژه نظریه سیاسی تشیع، نظریه شاهی فرهی در ایران دچار بحران شد و همواره شکاف میان سنت شاهنشاهی ایران و امارات و خلافت به سبک اسلامی در سراسر تاریخ ایران به‌صورت‌های آشکار و پنهان ادامه یافت (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۲). نزاع میان امرا و خلفا، میان خلفا و علما و میان فقها و سلاطین، شکاف‌های سیاسی - فکری مستمری در تاریخ ایران و اسلام به‌وجود آورد. با نوسازی ایران در عصر پهلوی شکاف میان روحانیت به‌عنوان پاسداران سنت اسلامی و پادشاهان به‌عنوان عوامل نوسازی اجتماعی و سیاسی شدت بی‌سابقه‌ای یافت. از سوی دیگر نوسازی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در سطح جامعه موجب پیدایش شکاف عمیق‌ترین میان دین‌گرایی و دنیاگرایی شده است. همچنین تنوعات قومی در

ایران ساختاری از شکاف‌های اجتماعی ایجاد کرده است که به‌ویژه در دوره‌های ضعف دولت مرکزی فعال‌تر شده‌اند. ایران همواره در طی تاریخ طولانی خود ترکیب پیچیده‌ای از اقوام و مذاهب و گروه‌های زبانی و فرهنگی را در بر داشته است. بر حسب برخی آمار جمعیت ایران از حیث قومی به ۶ بخش تقسیم می‌شود که به ترتیب عبارتند از: فارسی‌زبانان (۵۰ درصد)، آذری‌ها (۲۳ درصد)، کردها (۱۱ درصد)، اعراب (۵ درصد)، ترکمن‌ها (۳ درصد) و بلوچ‌ها (۳ درصد) (همان: ۱۲-۱۳).

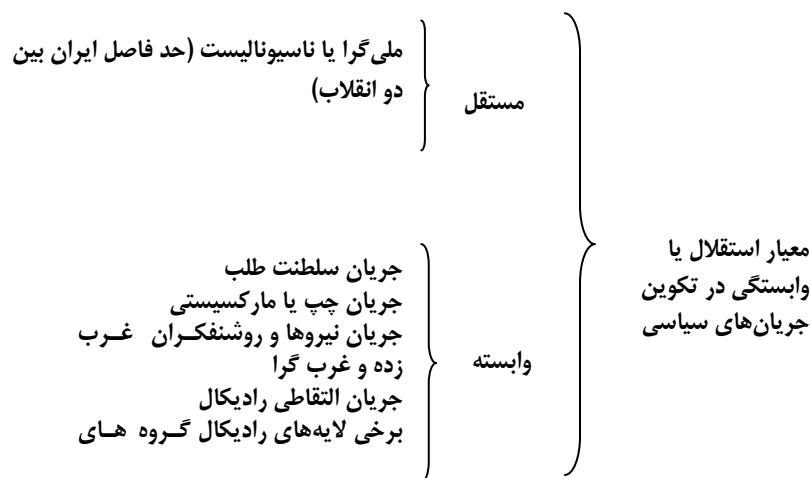
روی هم رفته جامعه ایران به‌عنوان جامعه‌ای نیمه سنتی - نیمه مدرن و یا در حال گذار دارای صورت‌بندی و شمار پیچیده‌ای از شکاف‌های اجتماعی بوده است. از یک سو شکاف‌های قومی، فرهنگی و منطقه‌ای مربوط به جامعه سنتی کم و بیش فعال‌اند و از سوی دیگر شکاف‌های جامعه مدرن نمودار شده‌اند (Amirahmadi, 1987:18). در واقع جامعه ایران غیر از این دو دسته شکاف، چنانکه اشاره شد، دارای شکاف عمیق‌تر و اساسی‌تری است که ناشی از همان دو پارگی سراسری آن است که تحت عنوان شکاف تجدد و سنت‌گرایی مطالعه می‌شود. این شکاف در تاریخ اخیر ایران، جلوه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی گوناگونی پیدا کرده است. از لحاظ اقتصادی معمولاً از آن به‌عنوان «اقتصاد دوگانه» یا اقتصاد معیشتی (تولید برای مصرف) در مقابل اقتصادی کالایی (تولید برای فروش) یاد می‌شود. از لحاظ اجتماعی در تاریخ سیاسی ایران معاصر تقابل طبقات ماقبل سرمایه‌داری در مقابل طبقات مربوط به صورت‌بندی سرمایه‌داری جلوه‌ای از آن شکاف است. از این دیدگاه اشرافیت، روحانیت، بازار سنتی و خرده‌بورژوازی در مقابل بورژوازی و سرمایه‌داران جدید، روشنفکران و طبقات کارگری قرار می‌گیرند. از لحاظ فرهنگی و سیاسی تقابل میان اصول‌گرایی و سنت‌گرایی با اصلاح‌طلبی نیز تجلی همان شکاف اصلی است. به‌طور خلاصه و بر اساس دیدگاه‌های فوق می‌توان گفت زندگی سیاسی در ایران در طی قرن بیستم سخت تحت تأثیر منازعات ناشی از شکاف سنتی و تجدد قرار داشته است. (دارابی، ۱۳۸۸: ۳۳)

۲- استقلال یا وابستگی

قدرت‌های خارجی در هر جامعه‌ای و به‌خصوص جوامع در حال توسعه سعی دارند علاوه بر اعمال نفوذ بر قدرت مرکزی، جناح‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی را نیز به خود وابسته سازند. به‌عنوان مثال دخالت‌های بی‌حد کشورهای خارجی در امور داخلی ایران، منشا رویارویی قشرهای مختلف جامعه ایرانی شد و این رویارویی به شکاف مهمی مبدل گشت. در یک سوی این شکاف می‌توان همه آنانی را قرار داد که با وابستگی به بیگانگان در هر نوع آن - اعم از اقتصادی و فرهنگی - در ستیزند و در سوی دیگر، می‌توان همه آنانی را قرار داد که به این وابستگی اعتقاد دارند.

به‌عنوان مثال بعد از ورود مدرنیته در دوره پهلوی، دولت مطلقه مدرن با تکیه بر سه پایه «سکولاریسم»، «مرکز‌گرایی» و «وابستگی به خارج» شکل گرفت. در این دوره مجموعه نخبگان سیاسی غرب‌گرا با رهبری شاه وابستگی همه جانبه سکولاریسم فرهنگی را دنبال می‌کردند (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۶۱-۷۳) و در مقابل مجموعه نیروهای اجتماعی سیاسی مستقل، مذهبی همراه با توده مردم و به رهبری روحانیت انقلابی وابستگی یک سویه را با تکیه بر هویت مذهبی - تاریخی درون‌نگر طرد می‌نمودند. در واقع غرب ستیزی و رشد و تکوین هویت مستقل اسلامی، ملی و فرهنگی در مقابله با غرب و غرب‌زدگی پاسخی است که به این شکاف و بحران داده می‌شود.

در تاریخ معاصر ایران جریان‌های ملی‌گرا در حد فاصل دو انقلاب مشروطه و اسلامی و اسلام‌گرا (مذهبی) را می‌توان به اعتباری در یک سوی شکاف، و برخی دولت‌ها (قاجاریه و پهلوی) و حامیان بیگانگان چون جناح‌های چپ طرفدار شوروی و یا غرب‌زدگان وابسته در عصر پهلوی و برخی لایه‌های رادیکال از گروه‌های دوم خرداد در جمهوری اسلامی را در سوی دیگر شکاف قرار داد.



۳- ایمان یا بی‌ایمانی و خلوص اعتقادی یا ناخالصی آن

در یک جامعه اسلامی معیار ایمان یا بی‌ایمانی و خلوص اعتقادی یا ناخالصی آن می‌تواند مولفه مهمی در تکوین جریان‌ات سیاسی به‌شمار آید. به‌عنوان مثال قرآن کریم بر اساس معیار ایمان یا عدم آن و خلوص اعتقادی یا آلودگی فکری، جریان‌های پنج‌گانه مومنان، مشرکان، منافقان، کافران و مرتدان را مطرح می‌کند.

انواع دیگری از جریان‌ها را قرآن کریم در سوره واقعه (سوره واقعه، آیات ۷ - ۵) معرفی می‌کند. معیار این تقسیم‌بندی خیر و برکت یا شومی و بدبختی آنان در دنیا و جایگاهشان در آخرت است که در سه دسته (اصحاب المیمنه یا اصحاب الیمین، اصحاب المشئمه یا اصحاب الشمال و السابقون) جای می‌گیرند.

۴- حق و باطل

به مانند معیار ایمان یا بی‌ایمانی، معیار حق و باطل شاخصه دیگری است که با بهره‌گیری از آن می‌توان به تبیین جریان‌ات سیاسی - اجتماعی در یک جامعه اسلامی دست یازید. طبق رهنمودهای قرآنی حق‌طلبان، حزب خدا (حزب ا...) را تشکیل می‌دهند که حتماً غالب و پیروز خواهند شد. قدرتمندی، دین‌مداری، دشمن‌ستیزی، رضایت‌مندی، پیروزمندی و رستگاری برخی از ویژگی‌های این جریان بر اساس معرفی سوره مجادله (سوره مجادله، آیات ۲۲-۲۱) می‌باشند.

اما باطل‌گرایان در حزب شیطان گرد آمده، شیطان فرمانده و حاکم بر آن‌هاست. دین‌ستیزی، دشمن‌دوستی، شیطان‌پرستی، بدکرداری، ذلت‌پذیری، زیان‌کاری و بدفرجامی ویژگی‌های عمده این جریان است. (سوره مجادله، آیات ۲۰-۱۴)

با توجه به تقسیم‌بندی‌های ارزشمند و معیارهای صحیح از سوی قرآن، متأسفانه به دلیل هژمونی فرهنگ سکولار غربی و نفوذ آن در ادبیات علوم سیاسی کشور از گذشته، کمتر این‌گونه شناسی‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

جریان‌های سیاسی در واقع شکل خاصی از سازماندهی نیروهای سیاسی - اجتماعی هستند که تحت شرایط اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی خاصی پدید می‌آیند. نگاهی به جریان‌ات سیاسی در ایران معاصر نشان می‌دهد که این جریان‌ات به لحاظ بستر و بنیان‌های نظری شکل‌گیری، تکوین، رشد و تداوم حیات سیاسی بیش از هر چیز متأثر از مولفه‌ها و معیارهای چون شکاف‌های اجتماعی، فرایند نوسازی (میزان گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن، میزان نوسازی و توسعه اقتصادی) و میزان دموکراتیزه شدن جامعه (پیدایش سازمان‌ها و تشکل‌های طبقات متوسط و پایین)، رابطه دین و سیاست (رابطه روحانیت و حکومت)، قلمرو دین (حداقلی یا حداکثری)، قرائت‌پذیری یا عدم قرائت‌پذیری دین، اصول‌گرایی یا تساهل در اجرای دین، تحجر یا روشنفکری، استقلال یا وابستگی جامعه، حرکت انقلابی یا مسالمت‌آمیز، ایمان یا بی‌ایمانی و خلوص اعتقادی یا ناخالصی آن و حق و باطل هستند.

منابع

- ۱- اشرف، احمد و بنو عزیزی، علی (۱۳۷۲). **طبقات اجتماعی در دوره پهلوی**، ترجمه عماد افروغ، فصلنامه راهبرد، زمستان، شماره ۲
- ۲- ایوبی، حجت‌الله، (۱۳۷۷)، **شکاف‌های قومی و خشونت در پیکار سیاسی**، فصلنامه راهبرد، پیش شماره ۱.
- ۳- بشیریه، حسین، (۱۳۸۱)، **دیباجه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، دوره جمهوری اسلامی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- ۴- _____، (۱۳۸۵)، **جامعه‌شناسی سیاسی**، تهران: نشر نی.
- ۵- دارابی، علی، (۱۳۸۸). **جریان‌شناسی سیاسی در ایران**، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۶- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۲)، **اقتصاد سیاسی ایران**، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: انتشارات پایپروس.
- ۷- مظفری، آیت (۱۳۸۵)، **جریان‌شناسی سیاسی در ایران معاصر**، قم: نشر زمزم هدایت.
- 8- Rokkan. A, Lipset. M (1977). **Party Systems And Voter Alignment**, New York, Free Press.
- 9- Amirahmadi. M (1987). **A Theory of Ethnic Collective Movements and Its Application to Iran**, Ethnic And Racial Studies, Vol. 10, no: 4, oct.